

عنوان مقاله:

فلسفه عرفان نظری

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت اسرا، دوره 2، شماره 3 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسنده:

محمد فنائی اشکوری

خلاصه مقاله:

عرفان، ابعاد مختلفی دارد که مهمترین آنها بعد معرفتی و تربیتی آن است. مطالعه در ابعاد مختلف عرفان، علوم متعددی را پدید آورده است که می توان از آنها به «علوم عرفانی» تعبیر کرد. مهمترین شاخه های علمی عرفان در سنت اسلامی، عبارتند از عرفان نظری و عرفان عملی. عرفان نظری حاصل تامل در یافته های سلوکی و شهودی عرفا است و عرفان عملی، علم سلوک و طریقت است. با پیدایی و گسترش فلسفه های مضاف در غرب که به فرانگری و مطالعه امور از بیرون می پردازند، پدیده عرفان نیز مورد تامل و مذاقه عقلانی بیرونی قرار گرفت و دانشی به نام «فلسفه عرفان» ظهور کرد. فلسفه عرفان، چیستی و چگونگی تجربه عرفانی و احکام آن را برمی رسد. اما بحث و کاوش از چیستی و چگونگی علم عرفان نظری و پرسش های نظری راجع به آن همچون بحث از موضوع، مبادی، مسائل، روش و ساختار آن می تواند موضوع علم مستقلی قرار گیرد که به آن «فلسفه عرفان نظری» می گوئیم. این گونه مباحث به طور سنتی و به اجمال در مقدمه برخی از کتب مربوط آمده است؛ اما گسترش این علم و طرح پرسش ها و تردیدهای بنیادی در باب ماهیت و مبادی و پیش فرض های آن ایجاب می کند که به طور مستقل نیز به آن پرداخته شود. در این نوشتار به اجمال برخی از مهمترین خطوط کلی فلسفه عرفان نظری را مرور خواهیم کرد.

کلمات کلیدی:

عرفان، معرفت عرفانی، فلسفه، فلسفه عرفان، عرفان نظری، فلسفه عرفان نظری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1399155>

